وبلاگ، منبرهای دیجیتال

چکیده

نوشتار حاضر، دیداری تازه با نسل جدیدی از بلندگوهای مدرن است که پس از توضیحاتی کوتاه درباره نفوذ و گستره اینترنت، به یکی از امکانات بدیع و شگفت آن می پردازد که وبلاگ نام گرفته و اکنون شهرت عالم گیری یافته است. امکانات بی حد و اندازه این پدیده پرتوان و جذّاب، همگان را وامی دارد که برای ابلاغ مرام یا اظهار آرمان های شخصی یا ملّی یا الهی خود، بدان روی کنند، و از قابلیت ها و خدمات رایگان آن سود برند. نیز پاره ای از برتری ها، امکانات، کارایی ها و امتیازهای آن را می شمارد و آن گاه با دیگر رسانه های مرسوم ـ به ویژه نشریات کاغذین ـ مقایسه می گردد. سپس این نکته را یادآور می شود که آیا توجیهی برای غفلت نویسندگان دین گرا، از این محیط پر جنب و جوش و فعال، و بی مهری بدان وجود دارد. وبلاگ نویسی، این توانایی را دارد که نوع جدید و مدرن تری از تبلیغ دینی را پذیرایی کند: تبلیغ دیجیتالی.

کلید واژگان: اینترنت، وب، وبلاگ، دین، رسانه، تبلیغ.

از غار نوشت تا تار نوشت

انسان که ارسطوییان، او را حیوان ناطق می نامند، تعریف ها و ممیزه های دیگری نیز دارد که عینی ترین آنها قدرت و امکان ثبت دریافت های درونی و پیرامونی خویش است. او می تواند دانسته ها، شنیده ها، دریافت ها، تأثرات، عواطف، هیجان ها و حتی واگویه های درون بی تاب خود را ثبت و یا اظهار کند. انسان مدرن که بیش از اسلاف و نیاکانش به فردیت خود می اندیشد و برای خود وجودی مستقل از اجتماع می بیند و ذوب شدن در گرایش های فراگیر جامعه را تاب نمی آورد، تعریف دیگری را نیز برای خود می جوید. در این تعریف جدید، او موجودی است فرهنگ نگار و اندیشه گزار که بی وقفه در کار تمدن سازی و بیرون کاوی است و هرگز سهم خود را در چرخه بی مداری زندگی از یاد نمی برد. مدنیّت مدرن و حتی سنتی او از همین جا آغاز می شود و شاید روزی ـ روزگاری در همین جا نیز آرام گیرد و پایان پذیرد.

او، نگارش و گزارش خود را از آنچه دیده، شنیده، فهمیده و یا به دیگر حواس خود دریافته، از تبدیل دیواره های غار زندگی به تابلوهای نقاشی آغاز کرد و سپس خط را آفرید و پاپیروس را به کار گرفت و تا کاغذ و چاپ و نهضت گوتنبرگی و روزنامه نگاری و مقاله نویسی و... از پای ننشست. برایند همه ی آن تجربه های ساده و پیشرفت های لاک پشتی، اکنون در صفحه هایی از جنس نور و موج و شیشه نمودارند: وب.

این صفحه های دیجیتالی که نَسَب به دیواره های غار می رسانند، میزبانی به دست و دل بازی شبکه جهانی اینترنت دارند که در هر خانه ای، گوشه ای و حتی گاه اتاقی را در اختیار خود گرفته است. چنین است که می توان گفت مسیر اطلاع رسانی و تاریخ فرهنگ نگاری و اندیشه گزاری انسان که با غار نوشت آغاز شده بود، اکنون به تار نوشت،(2) بار انداخته است. بی هیچ شک و گمانی پدیده ی بزرگ قرن حاضر را، باید همین معجزه انسان معاصر در پهنه ی اطلاع رسانی و پردازش گری WWWها دانست. شهروندان جهان، به اختیارِ توأم با ناگزیری، ذهن و روح خود را چنان تسلیم این فضاهای مجازین و کاوش گری های آن کرده اند که گویی باغچه ای کوچک در حیاطی خلوت و سنتی، زیر پای مرغان گرسنه خانگی قرار گرفته است.

حجم عظیمی از این سرزمین عجایب را وبلاگ ها یا وبلاگ شهر تشکیل می دهد. حضور شتابان و بی امان این نشریه های شیشه ای، چنان است که «وبلاگ» کلمه قرن نام گرفت. به گفته آمارها، بسامد هیچ کلمه ای در سده ی حاضر، به پایه و شمار «وبلاگ» نمی رسد.(3) اگر کسی در اول آوریل سال 2004 کلمه «وبلاگ» را در گوگل جستجو می کرد، عدد 24 میلیون را می دید؛ اما یک هفته پس از آن، نتیجه همین جستجو سه میلیون فربه تر شد و در سوم ژانویه 2005، خود را به رقم 35 میلیون نیز رساند.(4) نیز بر اساس آخرین آمارها چهار میلیون و پانصد هزار وبلاگ به زبان های مختلف در جهان وجود دارد که پیش بینی می شود این رقم در سال 2006 از مرز 6 میلیون نیز بگذرد.(5) اگر همین تعداد را در شمار فراوان خوانندگان و وبگردان ضرب کنیم، عدد شگفتی سر برمی آورد که هماره آرزوی همه نویسندگان و صاحبان هر گونه رسانه ای بوده است .

ایران نت

بیش از یک دهه از ورود اینترنت به ایران می گذرد. در این مدتِ نه چندان طولانی، همه ی ایرانیان هم داستان با همه ی مردم جهان این معجزه ی بشری را، آغوش استقبال گشوده اند و آن را توانمندترین فناوری انسان معاصر در عرصه های اطلاع رسانی، آموزش، تحقیق، تبلیغ اندیشه، تبلیغات تجاری، اخبار، سیاست، اعتراض، تجارت، جشن، همایش، آمار، جنگ روانی، رایزنی، طنز، بازی و تفریح، مکاتبات، مخابرات، ارتباطات شخصی، تخلیه های روانی، دانلود نرم افزار، اینترنت، وبلاگ، کامپیوتر و.... یافته اند. قابلیت های بی شمار، دسترسی آسان، تنوع، جذابیت های سمعی ـ بصری، مخاطب یابی آسان و هزاران دلیل دیگر، اینترنت را تابوی تمدن مدرن کرده است؛ تابویی که شکستن آن نه ممکن است و نه لازم. می توان گفت و از عهده نیز برآمد که اگر کسی سرگذشت مدنی انسان را به دو دوره ی قبل و بعد از اختراع اینترنت تقسیم کند، چندان بی راه نرفته است.

مقابله و مواجهه قهرآمیز با این پدیده ی قهار، به هر دلیلی که باشد، تجربه های خوشایندی را نصیب مخالفانش نکرده است. چینی ها، بیشترین و طولانی ترین مقاومت را در برابر لشکر سایت ها و WWWها کردند. نتیجه ی این نزاع توان فرسا، آن شده است که اکنون این کشور پهناور و پرجمعیت، بیشترین کاربران اینترنتی را در جهان، پس از آمریکا دارد!

بر اساس مطالعات «گروه پژوهشی مدار» تا پایان سومین فصل سال 2002، بیش از دو میلیون نفر در ایران به اینترنت دسترسی داشته اند. این رقم نسبت به سپتامبر 2001، افزایش صد درصدی از خود نشان می دهد و به حتم همین سیر را در سال های پسین، ادامه خواهد داد. آماری که از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اعلام شده است، ارقام شگفت تری را نیز نشان می دهد. بر اساس این آمار، در پایان سال 1381، هفت میلیون نفر کارت اینترنت خریده اند. این آمار و ارقام نسبت به سال 80 ، از حدود 90% افزایش خبر می دهد. این همه در حالی است که هزینه اتصال به این شبکه جهانی اینترنت در ایران، بسیار بیش از برخی کشورهای دیگر است .اینترنت در ایران مانند بسیاری دیگر از رسانه ها چندان جایگاه و مرتبه واقعی خود را نیافته است. به دلیل حساسیت های اخلاقی و سیاسی، بسیاری از سرزمین های آن ممنوع الورودند و برای شمار فراوانی از کاربران، هنوز بیش از وسیله ای برای سرگرمی و گذران وقت نیست. در ایران، رسانه ها و مراکز سنتی، به سختی جای خودرا به این رقیب جوان و تازه نفس می دهند ؛ اما این سیل را بیش از این سد نمی توان کرد و گویا اینجا نیز غیر تسلیم و رضا نیست چاره ای.

بیش از این نیازی به گفتن درباره ی اهمیت و گستره و کارایی اینترنت در جهان و ایران نیست. آنچه اکنون در کانون توجهات ملّی قرار گرفته است، بهینه سازی روش های اینترنت پردازی و چگونگی استفاده از این گنجینه ی دیجیتالی است.

وبلاگ و وبلاگ نویسی در ایران

اینترنت، خود پدیده ای شگرف است و تا کنون نیز شگفتی های بسیاری آفریده است ؛ اما در میان همه ی امکانات و شعبده بازی های او، وبلاگ حکایتی دیگر دارد که بس شنیدنی و بسیار یادکردنی است.

وبلاگ ها، فضاهای رایگان یا ارزان اینترنتی هستند که یادداشت های شخصی یا پاره نوشته های ناویراسته نویسندگان حرفه ای و بیشتر غیر حرفه ای، و نیز آخرین رهیافت های علمی یا عاطفی آنان را در خود جای می دهند و در دیدرس میلیون ها رهگذر آشنا و ناآشنا می گذارند. به عبارت دیگر Weblog یا Web ligمکان و فضایی در شبکه ی جهانی اینترنت است که معمولا مبدئی شخصی و غیر تجاری دارد. تفاوت عمده ی آن با سایت یا وب سایت، در رایگان بودن آن و بهره گیری بی مزد و منت از سرورهای عمومی است. نیز وبلاگ ها بر خلاف اکثر سایت ها در فاصله های زمانی کوتاه (گاه هر یک ساعت و حتی کمتر از آن) به روز می شوند و گستره ی عظیمی از موضوعات را پوشش می دهند. تفاوت ظریف دیگری که می توان میان وب سایت و وبلاگ شمرد، وسیله بودن اولی، و موضوعیت داشتن دومی است ؛ یعنی سایت ها معمولا برنامه و وظیفه ای جز گزارش و نمایاندن چهره سازمان یا مرکز یا حزب یا گروهی را ندارند.

بدین رو بیشتر به مثابه کاتالوگ یا دفترچه راهنما عمل می کنند. اما نوشتن و بودن در وبلاگ، خود موضوعیت دارد و بخش فعالی از زندگی وبلاگ نویس است. شاید بتوان تفاوتی را که میان دفترچه یادداشت های شخصی با سررسید کارپردازان می بینیم، میان وبلاگ و وب سایت هم دید.

اطلاعاتی که در چنین مکان هایی درج و ثبت می شود، مجموعه ای از روزنوشت های صاحب صفحه، همراه پیوندها و لینک های برگزیده او است که از این رهگذر خواننده خود را علاوه بر نشاندن بر سر سفره دل، به شبکه هزار توی سایت ها و وبلاگ های دیگر نیز می برد.

وبلاگ (Weblog)یا بلاگ (Blog) که ترکیبی است از دو کلمه web به معنای شبکه جهانی و log به معنای گزارش روزانه یا روزنوشت، به یادداشت هایی گفته می شود که یک یا چند نفر به صورت روزانه یا هفتگی یا گاه به گاه می نویسند و به اینترنت می سپارند. لاگ (log)، چندین معنای دیگر نیز دارد که از آن میان، برابرهای فارسی زیر با وبلاگ، تناسب بیشتری می یابد:

قطعه، دفتر روزانه، ثبت رخدادها، سررسید.

بدین رو، هم وجه نام گذاری وبلاگ آشکار می شود و هم می توان معادل های فارسی«روزنوشت»، «روزنگار» و یا «تارنوشت» را برای آن برگزید.

پرشین بلاگ (persianblog) که خود را اولین سرویس وبلاگ ویژه فارسی زبانان و بزرگ ترین جامعه اینترنتی فارسی نویسان می داند، تعریفی گویا از وبلاگ را در صفحه نخست خود نشانده است.

وبلاگ، محیطی است که به شما امکان انتشار ایده ها، افکار و دیدگاه های خود، همانند یک روزنامه نگار را می دهد. احتیاجی نیست که یک مقاله و یا داستان طولانی بنویسید، بلکه یک وبلاگ نویس ذهنیات خود را پیرامون مسایل مورد علاقه اش ارائه می کند؛ بدون اینکه این ایده ها به طور کامل بررسی شده باشند یا مثلا" از لحاظ دستور یا زیبایی جمله در حد عالی باشند. عاملی که باعث محبوبیت و رشد سریع پدیده وبلاگ در میان کاربران اینترنت شده است، راحتی استفاده از این ابزار می باشد. با استفاده از سیستم های موجود در وبلاگ، بدون نیاز به صرف وقت و هزینه برای طراحی کامل یک سایت اختصاصی، تنهابا پر کردن چند فرم تحت وب می توانید شروع به نوشتن مطلب در قالب یک سایت اختصاصی کنید.

وبلاگ ها غیر رسمی ترین رسانه های مردمی اند؛ به همین دلیل، هیچ گونه تعریف رسمی و ضابطه دست و پاگیری را بر نمی تابند. گذری کوتاه در نوشته ها و اشارات وبلاگ نویسان، نشان می دهد که آنان خود ترجیح می دهند وبلاگ را با یک کلمه یا یک ترکیب ساده تعریف کنند؛ کلماتی مانند مجله شخصی، کافه اینترنتی، پاتوق، دفترچه باز، دلنوشته، پنجره ای به جهان بیرون، روزنوشت، روزنگار، یادداشت های خصوصی.به گمان نگارنده نیز، همین کلمات ساده و رایج، شناخت درست تر و گویاتری از وبلاگ ها به ما می دهد؛ اما نگاه علمی تری نیز می توان به آنها انداخت.

بشر در طی چند سال گذشته، قدم در دنیای جدیدی گذاشته که بدون شک یکی از مهم ترین دستاوردهای آن تحول و دگرگونی اساسی در ارتباط با نحوه نشر اطلاعات است. به کارگیری پتانسیل های وب در نشر دانش و اطلاعات، ضمن غلبه بر محدودیت های زمانی و مکانی، حق انتخاب مخاطب را ارج نهاده و بستری مناسب برای تعاملات اطلاعاتی دو سویه فراهم نموده است. در این میان وبلاگ (weblog) یا بلاگ (blog) یکی از جذاب ترین ابزارهایی است که به افراد امکان می دهد تا نظرات، افکار و اندیشه هایشان و هر آنچه را که در دل دارند، به جهانیان باز گویند. امکان انتشار اندیشه ها و عقاید تا به امروز تنها برای بخش خاصی از جامعه، همچون نویسندگان، اندیشه مندان، دولت مردان و ادیبان فراهم بوده است؛ اما وبلاگ این امکان را برای اقشار مختلف، اعم از زن و مرد، و پیر و جوان ایجاد کرده است. فرض کنید ابزاری ارزان قیمت برای انتشار مطالب در اختیار هر صاحب قلمی باشد که بتواند با استفاده از آن، اخبار، گزارش ها، عقاید، دیدگاهها و نقطه نظرات خود را در رابطه با موضوعات مورد علاقه ی خود، بدون محدودیت های مرسوم بیان کند. و مهم تر از آن، از نظرات مخاطبان نسبت به مطالب منتشر شده نیز آگاهی یابد. آیا شما علاقه مند به استفاده از چنین ابزاری نخواهید بود؟ آیا تمایل به داشتن یک رسانه شخصی ندارید که در آن بتوانید موضوعات مورد علاقه ی خود را بیان کنید؟(6)

نیز می توان افزود که وبلاگ و وبلاگ نویسی، بخشی از توانایی و فضایی است که اینترنت به رایگان در اختیار میلیون ها مهمان خوانده و ناخوانده خود گذاشته است تا در آنجا اندیشه ها و آرزوهایشان را به قلم آورند، و با همدلان ناآشنا و گاه آشنا دردِدل گویند و تلخی های زندگی فرو شویند و یا دیگران را از شیرینی های درون خویش کام بخشند. این صفحه های شیشه ای که همه گونه فاصله های زمانی و مکانی را میان نویسنده و خواننده برداشته است و نوشتن در آنها همزمان است با خواندن آن برای هر کس که در هر جای دنیا آن لاین باشد، روزنامه ها یا مجلات شخصی انسان های بی شماری است که نویسنده، سردبیر، ویراستار، ناشر، موزّع، حروف چین، صفحه آرا و طراح آنها یک نفر است؛ یعنی نویسنده، سردبیر مجله خویش است ونیز ناشر و ویراستار آن و... هر که را که در سر اندیشه ای است یا در دل سودایی، با هر انگیزه ای، می تواند مجله ای در این بیکرانه هزار تُو راه اندازد و در هر فرصت که خود خواست یا توانست، صفحه ای و حتی جمله یا کلمه ای بر آن بیفزاید یا از نوشته های پیشین بکاهد. همه ی آنان که خواهان گفتن و نوشتن و اظهار وجودند، می توانند با کمترین هزینه، تابلو و پرده آشکاری از احساسات و اندیشه های خود را پیش چشم هزاران رهگذر (وبگرد) نصب کنند و خود بایستند و تأثیر سخن خویش را به چشم ببینند. بدین ترتیب وبلاگ، یعنی ارتباط آسان، رایگان، دوسویه، دل خواه و همگانی با هر چشم و دلی که گذارش به خانه ی نوری ما می افتد، یا به دعوت ما می آید. نخستین وبلاگ ایرانی در شهریور سال 1380 روی شبکه اینترنت ظاهر شد. یک ماه طول کشید تا وبلاگ دوم نیز از راه برسد؛ اما دو ماه پس از تولد دومین وبلاگ، شمار وبلاگ های ایرانی به 120 عنوان رسید. هم اکنون علی رغم اینکه بیش از سه سال از عمر این نشریه های الکترونیکی در ایران نگذشته است، موج های بسیاری از هر سوی این دریای متلاطم گردن افراشته و طبقات مختلفی از جامعه را به خود مشغول کرده است. نویسندگان وبلاگ، از میان همه اصناف و سطوح اجتماعی، و از دل جامعه سر برآورده اند؛ از نام آشناترین اندیشه وران تاگمنام ترین جوانان کشور. هر چند آمار دقیقی از شمار وبلاگ های ایرانی در دست نیست، اما از سوی منابع معتبر جهانی، زبان فارسی، زبان چهارم وبلاگ نویسی در جهان اعلام شده است. اما همان طور که از شابِک کتاب های فارسی نیز پیدا است، این زبان رتبه خوشایندی در تألیف و روزنامه نگاری ندارد.

در خرداد ماه 1383 اولین جشنواره ی وبلاگ نویسان ایرانی، در تهران برگزار شد. شرکت کنندگان در این همایش بدیع، جوانان فرهیخته و ذوق مندی بودند که هر یک، روزانه بخشی از وقت خود را به وب نویسی یا وبگردی اختصاص داده بودند. آنان وبلاگ نویسی را بخشی از هویت جدید خود در جهان امروزین می دانستند و همگی مصمم به گسترش کمّی و کیفی وبلاگ های خود بودند. نخستین جشنواره دانشجویان وبلاگ نویس ایران نیز در نخستین فصل سال 1384 برگزار می شود. به گفته ی دبیر جشنواره: «این همایش، شامل رقابت در چهار حوزه ی موضوعی و فنی است، و همچنین نخستین نمایشگاه وبلاگ را که گردهمایی برترین وبلاگ نویسان دانشجویی ایران است، در خود جای داده است. بدین ترتیب ایجاد ارتباط و رقابت دانشجویان وبلاگ نویس، از اهداف این جشنواره است، که تشویق کننده استفاده هر چه بیشتر از وبلاگ، و زمینه ساز شکل گیری گروه های دانشجویی وبلاگ نویس در همه ی دانشگاه های کشور خواهد بود.»(7) این خبر زیر نیز خالی از عبرت و تأمل نیست:

به گزارش بخش خبر «سایت اخبار فناوری اطلاعات ایران» از «خبرگزاری سینا» بر اساس گزارش روابط عمومی سازمان ملی جوانان ایران، تنها باگذشت 12 روز از برگزاری مسابقه ی «وبلاگ نویسی جوانان و امام خمینی ره» بیش از 2000 وبلاگ نویس تاکنون در این مسابقه شرکت کرده اند.

اکنون هزاران وبلاگ فارسی در اینترنت هر روز، به روز می شوند و هر یک خواندنی ترین مطالب همسو با موضوع انتخابی خود را روی صفحه وب می گذارند. برخورداری از چنین فضاهای کاملاً منعطف و آماده هرگونه قابلیت گذاری، که مصون از محدودیت های مرسوم است، نویسندگان ایرانی را بر آن داشته است که تفکرات و آرمان های خود را در این دریای بی ساحل، شناور کنند و همچون نامه ای در بطری، به هر سو بفرستند. این رسانه بدیع و مدرن، به نویسندگان و دارندگان خود اجازه می دهد که به دور از قید و بندهای معمول و قالب های تکراری، از رنج ها و دریافت ها و امیدهای زنده خود بگویند وبخوانند و یا درباره نوشته های دیگران نظر دهند. «وبلاگستان، شهری است که در آن هر کس در خانه خود نشسته است و به اختیار خود پنجره ای از دنیای درون خود به بیرون گشوده است.»(8)

این نیز گفتنی است که نباید نقش این ابررسانه های مدرن را در همه ی کشورها یکسان دانست. در مناطقی از جهان که روزنامه ها و رسانه های مشابه آن، بار و کارکرد احزاب را نیز به دوش می کشند، و گاه به آموزشکده های سیار نیز تبدیل ماهیت و تغییر شغل می دهند وبلاگ ها حضور و ظهوری قوی تر دارند و نقش آفرینی آنها را به عیان می توان دید.(9) کارکرد آموزشی وبلاگ ها نیز، موازی با دیگر کارایی های آن شگفت آور است؛ تا آن جا که گفته اند: «وبلاگ ها بزرگترین تولید کنندگان محتوای آموزشی در اینترنت اند».(10)

امتیاز دیگر وبلاگ، استقلال آن است، از آنجا که وبلاگ ها هزینه ای جز تلفن و اینترنت، بر نویسندگان خود تحمیل نمی کنند، قادر به حفظ استقلال مالی و فکری خود هستند. نیک می دانیم که استقلال و خودمختاری، آرزوی همه ی صاحبان قلم و اندیشه است. آنچه بیش از همه این آرزو را برای جمع کثیری از اهالی قلم دور از دسترس کرده است، وابستگی های مالی آنان و یا اکثر رسانه ها به مراکز قدرت و سرمایه است. ایستادن بر روی پاهای خود، وبلاگ نویسان را امکان داده است که بتوانند درباره ی آنچه می خواهند و می پسندند، قلم زنند. آیا هیچ نویسنده ای را می توان یافت که بتواند درباره ی شخصی ترین عواطف و گرایش های خود، در جایی غیر از وبلاگش بنویسد؟ استقلال و ناوابستگی، امتیاز ویژه ی وبلاگ ها است و همین برتری، موجب شده است که وبلاگ نویسان بتوانند شانه ی خود را از زیر بار هر نوع مسئولیتی خالی کنند و همان را بنویسند که در اندیشه و قلبشان می گذرد. بله؛ باید پذیرفت که این سکه روی دیگری نیز دارد؛ زیرا پاسخگو نبودن به هیچ مرجع رسمی و غیررسمی، بسیاری از وبلاگ ها را به خانه های فساد و دریدگی های چندش آور بدل کرده است. نویسنده ای که خود را متعهد به هیچ مقام و مرامی نداند و دادگاه وجدان اخلاقی خود را نیز مُهر و موم کرده باشد، چگونه خواهد نوشت، و چه زهرجان گزایی در روح خوانندگان خود خواهد ریخت؟ به یادآوریم که هر مقاله ای در هر روزنامه یا مجله ای، مسئولیت های فراوانی را بر دوش نویسنده، ویراستار، سردبیر و مدیر مسئول مربوط می گذارد. اما وبلاگ ها فارغ از همه ی این گونه مسئولیت ها و محدودیت های صواب و یا خطا، بازتابش خیره کننده ای از درون نویسندگان خود هستند. این تفاوت عمده که حساب وبلاگ را از همه ی رسانه های سنتی جدا می کند، منشأ کارکردی دیگر نیز برای آن می شود. وقتی نویسندگان چنین محیط هایی، خود را رها و آزاد از هرگونه قید و بندی می بینند، هر آنچه را که در دل و اندیشه دارند، بی هیچ گونه ملاحظه ای می نویسند و همین بی ملاحظگی و بی پروایی و رهاشدگی مطلق، وبلاگ ها را به محلی برای دیدار با پنهانی ترین لایه های اجتماع تبدیل می کند. بدین رو است که برخی هوشمندانه وبلاگ ها را «دماسنج اجتماع» نامیده اند؛(11) یعنی جایی که می توان دریافت که جوانان و طبقه ی متوسط شهری جامعه چگونه می اندیشند، خواسته های آنان چیست و چه آمال و آرزوهایی را در سر می پرورانند. بدین رو بر همه ی صاحبان اندیشه و مرام و مقام است که برای آگاهی از موقعیت مرام و اندیشه ی خود نزد مردمی که خویشتن را مجبور به هیچ گونه سانسور و ریاکاری نمی بینند، ساعاتی از اوقات روز و شب خود را به وبگردی اختصاص دهند تا مخاطبان ساکت و آرام خود را در مدارس، مساجد، بازار، دانشگاه و یا هر جای دیگر جامعه بهتر بشناسند؛ زیرا وب نویسان اینترنت، در میان همین مخاطبان و شنوندگان رام و مطیع نشسته اند و چشم در چشم گویندگان دوخته اند. محتوای وبلاگ ها راگاه باید واکنشِ شبانه و مخفیانه جوانان هوشمند کشور، به شنیده ها و دیده های روزانه آنان دانست.

موضوعاتی که بلاگرها (BLOGERS) یا همان نویسندگان وبلاگ، برای مجله های شخصی خود بر می گزینند، تنوع و گستره کم مانندی دارد. گاه موضوعی عام را از نگاهی خاص می نگرند، و گاه موضوع خاصی را محک اجتماع می زنند. شاید بتوان گفت برای هر یک از علایق و سلایق فردی و اجتماعی، ده ها وبلاگ را در اینترنت نام زد که هر روز بر کمّ و کیف خود می افزایند. پاره ای از این مجلات خودآیین و خودمختار، روزانه هزاران خواننده دارند و برخی نیز برای یافتن خوانندگان بیشتر، در تلاش و تکاپوی لذّت بخشی به سر می برند. خاطره نویسی، طنز اجتماعی، یادداشت های روزانه، سیاست، ورزش، متن های ادبی، مذهب، فرهنگ، هنر، ادبیات داستانی و کلاسیک، آموزش های فنی، حوادث و نقد و بررسی مسائل جهانی، پاره ای از مهم ترین دل مشغولی های بلاگرها است.

هر یک از این موضوعات، وقتی به وبلاگ پا می گذارند، لباس رسمی و مهمانی خود را از تن بیرون می آورند و زبانی صمیمی، دوستانه و گاه طنزآلود را تجربه می کنند. اکثر وب نویسان ایرانی، گرایش آشکاری به ساده نویسی و پرهیز از ساختن جملات سنگین دارند. آنان می کوشند فضای وبلاگ خود را چنان صمیمی و مهربان کنند که پای هر رهگذری را برای ماندن و خواندن سست کند. رسمی ترین موضوعات و جدّی ترین مقولات علمی یا اجتماعی، در وبلاگ به روان ترین زبان ها و صمیمانه ترین قلم ها بیان می شود. ساختار شکنی وبلاگ ها، به همین مقدار ختم نمی شود. در وبلاگستان فارسی درباره هر موضوعی سخن می رود و امکانات بسیار جذّاب و فراوان اینترنت، به نویسندگان کمک می کند که با کمترین هزینه و صرف وقت، بیشترین بهره را از فعالیت خودببرند.

وبلاگ ها برای برخی بیش از یک دفترچه خاطرات معمولی که گنجایش بسیار، و شکل و شمایل زیبایی دارد، نیست. و برای گروهی نیز فرصتی است برای عرضه و اعلان آخرین رهیافت های علمی خود. البته هرزه نویسی های آن هم کم نیست؛ مانند همه ی محیط های اجتماعی و عمومی دیگر که هرزگی عده ای، بخشی از هویت ناگزیرشان شده است. بدین رو این رسانه نیز مانند همه ی ابزارهای بشر ساخت، هیچ گونه گرایش و جهتی را کانونی خود نکرده است؛ بلکه فقط فرصتی است و مجالی و ابزاری و شگرد کارآمدی برای گستراندن هر گونه فعالیت علمی و غیر آن. گمان نگارنده آن است که آینده این پدیده ی شگفت اطلاع رسانی بسی درخشان تر از این است و در روزگاری نه چندان دور، وبلاگ نویسی در ایران چنان عمومیتی یابد که اکنون تلفن های همراه یافته اند. اگر صاحبان اندیشه و آرمان و منش های گوناگون، خواهان پردازشی قدرت مندانه به اندیشه ها و دل مشغولی های خود هستند، باید هر چه زودتر بر غفلت خود از این پیام رسان قوی و مدرن غالب آیند.

توش و توان وبلاگ ها

تفاوت عمده ی وبلاگ ها با سایت های اینترنتی، رایگان بودن، محتوا و روزآمدی آنها است؛ یعنی هر انسان زنده ای می تواند از طریق یکی از سایت های ویژه، فضایی را در پهنای اینترنت به تملیک خود در آورد و درباره ی هر موضوعی که می پسندد، به هر زبانی که دوست دارد، برای هر خواننده ای که حضور می رساند، بنویسد. این برتری ها، اکنون چندان به چشم نمی آیند، اما به زودی زود، تأثیر خود را در جذب همه ی صاحبان قلم و اندیشه، نشان خواهند داد. شمردن همه ی آنچه برای وبلاگ، امتیاز به شمار است، به چندین تحقیق گسترده با دو پس زمینه های علوم ارتباطات و روان شناسی قلم محتاج است. آنچه در پی می آید، گزیده ای است که اگر چه سمت و سویی سنجیده ندارند، اما رنگ و بویی خاص دارند.

در مجموع می توان برتری ها و ممیزات وبلاگ را در شاخص های زیر خلاصه کرد:

1. آزادی عمل و قلم: نویسندگان وبلاگ ها آزادند که هر چه می خواهند و هر قدر که می توانند و هرگونه که خود می پسندند، بنویسند. این مقدار آزادی و بی قیدی، زیان های بسیاری نیز به بار آورده است؛ اما از آن جا که تعداد خواننده و شمار مراجعان به هر وبلاگ، در سرنوشت اینترنتی آن سخت مؤثر است، وبلاگ نویسان می کوشند به سمت رعایت اصول و مراعات اخلاق عمومی و رعایت ضوابط علمی و دامن زدن به جذّابیت های موجّه تر پیش روند، تا بتوانند به حیات مجازی خود در این فضاهای به شدت رقابتی ادامه دهند. در حقیقت، وبلاگ نویسی مجبور و محکوم به پیروی از هنجارهای ملّی و بلکه فراملّی است؛ زیرا در غیر این صورت، بدون هیچ گونه عامل فیزیکی و خارجی از حجم حضور خود خواهد کاست و چاره ای جز گوشه نشینی نخواهد داشت، نویسنده وبلاگ در واقع یک گفتگوگر حرفه ای است که اگر آداب هم صحبتی و دوستی را به جا نیاورد، اندک اندک از نظرها محو خواهد شد و در نهایت باید به باطل کردن وبلاگ خود تن دهد. حافظ، این نکته نه چندان کوچک را به نیکی دریافته بود که می گفت:

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب، لایق صحبت نبود

با وجود این، نمی توان منکر پاره ای زیان ها و آفاتی شد که از رهگذر بی مبالاتی ها و ولنگاری های قلمی و تصویری، گریبان وبلاگ نویسی را گرفته است؛ زیرا به هر روی هیچ گاه متاع کفر و دین بی مشتری نبوده است. بسیاری از اهل فن نیز بر این عقیده اند که وبلاگ ها بزرگ ترین خطر برای زبان فارسی نیز محسوب می شوند؛ زیرا گروه های بسیاری از این قلمزنان با نخستین ضوابط نویسندگی و اصول زبان فارسی آشنایی ندارند. اما باور نگارنده، آن است که در مجموع خدمات وبلاگ ها به زبان فارسی، بسیار بیش از زحمات آنها است؛ زیرا این شیوه ی قلمزنی، زبان فارسی را به سمت ساده نویسی و مهربانی خاصی برده است که نقطه ی آغاز آن نهضت مشروطیت بود. خوانندگان وبلاگ، نیک می دانند که در نثر وبلاگ ها گاه کمترین تکلف و تصنع به چشم نمی آید. چنین نثر و شیوه ای در قلم زدن، هماره آرزوی زبان شناسان و زبان دوستان بوده است. روش بلاگرها در نوشتن به گونه ای است که گویی برای خود می نویسند و هیچ اعتنایی به اطراف خود ندارند. مقالات اینترنتی، گاه به صمیمیت گپ های بسیار خصوصی و دوستانه است. بدیهی است که خواندن چنین مقالات و نوشته هایی هماره توأم با لذت و اثرپذیری بیشتر خواهد بود.

آزادی قلم و عمل در وبلاگ شهر، معنای دیگری نیز دارد که بر جذابیت های آن می افزاید، و آن آزاد بودن در کمیت و تعداد کلمات هر نوشته است. اگر نویسنده ای خواست و توانست همه حرف خود را در یک یا حتی نیم سطر بزند. در کدام نشریه سنتی می تواند مقاله یک یا نیم سطری خود را منتشر کند؟ رسانه های سنتی، استانداردهایی را متعهدند که قادر به عبور از آنها نیستند. پاره ای از آن استانداردها و خطوط قرمز، به اندازه و حجم نوشته باز می گردند. مقالات قابل درج در مطبوعات، باید سایز مناسبی داشته باشند؛ حال آنکه گاه آنچه در ذهن نویسنده ها می گذرد، تناسبی با حجمی که باید آن را پر کند، ندارد. نویسندگان گاه دوست می دارند حس یا دریافت علمی خود را با کمترین کلمات و در کوتاه ترین عبارات باز گویند. آیا مجله یا هر رسانه ی دیگری حاضر می شود مقاله نیم سطری و یا دو کلمه ای چاپ کند؟

یک معنای دیگر آزادی در وبلاگ، آزادی در موضوع است. بسیاری از موضوعاتی که گروهی از اهل قلم، مایل به قلم زدن درباره ی آنها هستند، عاری از هر گونه همخوانی و همسویی با موضوعاتی است که مطبوعات رسمی کشورها برای خود برگزیده اند. اگر دانشجویی جوان یا طلبه ای پرشور، قصد کند تجربیات دوران تحصیل خود را با همه ی جزییات و نکات ریز و درشتش، اکنون ـ نه پس از سپری شدن دوره ی آنها ـ بنویسد، آیا رسانه های موجود کشور قادر به پوشش دادن به نوشته های او و دیگر هم قطاران او هست؟ فراموش نکنیم که در دل و جان بسیاری از اهل اندیشه، حرف هایی هست که باید به گونه ای اظهار شوند که چندان هم ظاهر و همگانی نشوند!

2. لینک (Link): لینک ها، میان بُرهایی است که مراجعان را برای سفر به هر نقطه دیگر در اینترنت و وبلاگستان ایصال الی المطلوب می کنند. هر وبلاگ می تواند ترمینالی باشد برای مسافرت وبگرد به سایت ها، وبلاگ ها و دیگر مناطق اینترنت. لینگ ها، آدرس هایی هستند که کلیک بر روی آنها، ما را به فضاها و سرزمین های دیگری در جهان پهناور اینترنت می برد. بدین ترتیب یکی از کارکردهای بسیار جذاب لینک ها آدرس یابی منابع (ارائه ی طریق) و دست یابی (ایصال الی المطلوب) به آنها است. اگر پاورقی ها در نشریات سنتی، فقط آدرس را نشان می دهند، لینک ها اصل مأخذ و منبع را پیش روی شما ظاهر می کنند. لینک ها یا پیوندها، مراجعان را با انبوهی از فضاهای همسو و متناسب با وبلاگ مربوط، متصل می کنند و بدین رو، هر وبلاگ، دریچه ای است برای ورود به ده ها یا صدها فضای دیگر که با وبلاگ میزبان هم خوانی دارند. این لینک های سخاوت مند، گاهی وظیفه صوتی یا تصویری کردن وبلاگ را نیز برعهده می گیرند. یعنی به خواننده این امکان را می دهند که به هنگام گشت و گذار در وبلاگ، گوش و چشم خود را نیز بی نصیب نگذارند.

3. چندرسانگی: یک نشریه یا کتاب یا روزنامه سنتی، تنها قادر است از طریق یکی از حواس ما با ما ارتباط برقرار کند؛ اما در وبلاگ ها می توانیم هم زمان با خواندن، گوش و چشم خود را نیز به کار گیریم. بدین رو وبلاگ ها رسانه های شنیداری ـ دیداری ـ نوشتاری. گفتاری اند! این وضع، آدمی را به یاد درخواست آن شاعر عرب می اندازد که به ساقی خود گفته بود آن هنگام که در جام من باده می ریزی، نام آن را نیز ببر تا سهم گوش را نیز داده باشی: اُسقِنی خمرا و قُلنی انّها. به واقع وبلاگ ها قادرند به آسانی از همه ی فناوری روز برای تأثیرگذاری بر روی خوانده خود مدد گیرند؛ از جلوه های ویژه گرفته تا موسیقی متن و عکس هایی با بالاترین کیفیت و تنوع.

4. نظردهی / کامِنْت (Comment): یکی از جالب ترین قابلیت های وبلاگ ها کامنت های آنها است که امکان نظرخواهی از خوانندگان را فراهم می کند. هر خواننده می تواند نظر خود را ـ اعم از موافقت، مخالفت یا پیشنهاد ـ در زیر هر نوشته وبلاگی بنویسد و به سمع و نظر نویسنده و خوانندگان پس از خود برساند. بدین ترتیب نویسنده نیز در مدتی کوتاه از بازتاب و بازخورد نوشته خود آگاه می شود. این امکان بسیار مؤثر و مفید، در هیچ رسانه ی دیگری نیست. اینکه نویسنده بداند خواننده ی او درباره نوشته اش چه دیدگاه و یا واکنشی دارد، در تکمیل مقاله و اصلاح اندیشه او تأثیر شگرفی دارد. به ویژه آنکه در نظرخواهی و نظرنویسی ها، نویسنده مجبور به افشای نام و هویت خود نیست؛ بنابراین بدون هیچ نگرانی و دغدغه و تعارفی، نویسنده را از نظر خود آگاه می کند.

کامنت گذاری در وبلاگ ها گاه چنان جدّی و فعال می شود که از اصل مقاله اهمیت بیشتری می یابد. و یک نوشته ی ساده را عملا به یک مباحثه زنده و با نشاط تبدیل می کند. بسیاری از نویسندگان خرد و کلان از همین طریق هم دیگر را در گوشه و کنار جهان یافته و شناخته اند. هر نویسنده ای دوست دارد نظر خواننده ی خود را درباره مقاله یا یادداشت کوچکش بداند؛ اما این امکان در حد وسیع و واقعی فقط در وبلاگستان ممکن است.

5 . آرشیو (Archive): هر وبلاگ برای خود آرشیوی دارد که به آسانی، همه ی مقالات و مطالب گذشته ی خود را یک جا در اختیار وبگرد می گذارد. بلاگر می تواند آرشیو خود را ترتیب موضوعی یا زمانی دهد و دسته بندی کند تا خواننده را بدون صرف وقت، به مجموعه ای از مقالات و مطالب مطلوب رهنمون باشد.

6 . جستجو (search): اگر بخواهند همراه هر نشریه فهرست تفصیلی و نمایه های کامل و بی کم و کاست آن را نیز چاپ کنند، چندین برابر اصل نشریه خواهد شد. این حجم عظیم را، وبلاگ در کلمه گنجانده است: جستجو.

7. ادیت (Edit): تصور کنید از شما در جایی مقاله ای چاپ و منتشر شده است که در آن مرتکب خطا یا خطاهایی شده اید. اکنون چاره چیست؟ آیا راهی جز صبر کردن و انتشار شماره بعدی نشریه مربوط را انتظار کشیدن، دارید تا توضیح کوتاهی را درباره مقاله ی خود در آن درج کنید؟ این راه که گویا تنها راه ممکن نیز می باشد، چه اندازه می تواند خوانندگان مقاله ی شما را از اشتباهی که شما کردید، مصون نگه دارد؟ وبلاگ، قابلیت هرگونه حذف یا تغییر در نوشته های قبلی را به نویسنده اش می دهد. این قابلیت پنهان بیشتر به کار نویسندگانی می آید که هماره در حال پیشرفت علمی و تحول قلمی هستند. نویسنده ای که مقاله ی خود را به یکی از نشریات رسمی کشور سپرده است، از خود کاملا خلع ید کرده، دیگر حکومتی بر آن ندارد. فقط می تواند در فرصت بعد که گاه چندین ماه به طول می انجامد ـ اصلاحیه یا مقاله ی تکمیلی خود را ارسال کند. اما همگان می دانیم که این راه نیز چندان هموار نیست و گاه از عهده ی تصفیه و تصحیح بر نمی آید. وبلاگ نویسان می گویند همچنان که بر روی هر مدادی، پاک کنی را تعبیه کرده اند، باید در جایی نوشت که قدرت حذف و اضافه را از نویسنده نگیرد. در غیر این صورت باید به یکی از دو راه سخت زیر تن داد: یا باید تا به کامل ترین درجه علمی نرسیده ایم، دست به قلم نبریم؛ زیرا هر لحظه امکان پشیمانی و خطا وجود دارد، و یا آنکه دل به دریا زنیم و از خطا و صواب نوشته خود هیچ نیندیشیم! این هر دو راه اگر چه به چاه مانندترند، اما نویسندگان ما عملا تاکنون همین راه ها را پیموده اند، اگر چه چندان به روی خود نمی آورند.

8 . اشتراک / آبونمان (Subscription): وبلاگ ها در فاصله های زمانی بسیار متفاوت به روز می شوند؛ برخی هرچند ماه یک بار و برخی هر چند دقیقه و برخی به معنی واقعی کلمه گاه نامه هستند. وبگردان هماره در جستجوی وبلاگ هایی هستند که به تازگی به روز شده است. این گشت و گذار گاه وقت گزافی را از آنان به هدر می دهد؛ زیرا ممکن است پس از وارد شدن به ده ها وبلاگ، مطلب تازه و به روزی نصیبشان نشود. در ساختمان فنی وبلاگ برای حل این مسئله، چاره های فراوانی اندیشیده شده است؛ از جمله اشتراک یا آبونمان است. وبگردان با ثبت ایمیل خود در هر وبلاگی که به خواندن آن عادت دارند یا آگاهی از نوشته های آن را برای خود مفید می دانند، دیگر نیازی به مراجعه سرسری و بی برنامه به آن ندارند. بدین ترتیب، مشترکین بدون صرف وقت و هزینه، در اولین فرصت، تازه ترین نوشته های هر وبلاگی را که بدان تعلق خاطر دارند، دریافت می کنند.

9. گفتگوی فعال و رودرو: شاید بتوان گفت مهم ترین سود علمی وبلاگ ها ناظر بودن بر یکدیگر است. خواننده وبلاگ می تواند پس از مطالعه ی یک مقاله مهم در یک وبلاگ، ده ها نقد و بررسی آن را در دیگر وبلاگ ها پی گیرد. هرگاه مقاله یا خبر یا نکته ی در خوری در یکی از وبلاگ ها ظاهر می شود. به سرعت گاهی به فاصله یک ساعت ـ نوشته هایی ناظر بر آن در وبلاگ های مختلف قابل دست یابی است. نقد یک مقاله در نشریات سنتی گاه چنان با تأخیر صورت می گیرد که دیگر فایده ای بر آن مترتب نیست. به همین دلیل است که وبلاگ نویسان علی رغم آنکه از هرگونه نظارت و کنترل بیرونی فارغ اند، می کوشند سنجیده تر سخن گویند؛ زیرا به تجربه دریافته اند که نوشته های سست و بی بنیان در اینترنت دو گونه واکنش را بر می انگیزد: سکوت تلخ و تمسخر. نویسندگان دوست می دارند که نقد شوند؛ اما اگر چنان ننویسند که ارزش نقد را داشته باشد، به دیوار سکوت بر می خورند و یا استهزای تنی چند را باید تاب آورند. ناگفته نماند که وبگردی و استفاده از وبلاگ ها نیاز به تجربه و اندکی آگاهی های فنی دارد که بدون آنها نمی توان از این فایده و دیگر فواید وبلاگ بهره مند شد. یک وبگرد حرفه ای، به خوبی می داند که برای خواندن نقد مقاله ای باید چه کرد به کجاها سرکشید.

10. آسانی و ارزانی: امتیاز مهم دیگری که می توان برای وبلاگ شمرد، سادگی تولید و راه اندازی آسان آن است برای ساختن یک وبلاگ، تقریبا به دانش فنی و امکانات ویژه ای نیاز نیست. البته سازنده ی وبلاگ، هر چه با امور فنی آشناتر باشد، یا بیشتر بتواند از تجربه دیگران استفاده کند، وبلاگ کارآمدتر و زیباتری را می آفریند. اما ساختن وبلاگ و شروع نوشتن در آن، با کمترین دانش فنی، تخصص و تجربه نیز ممکن است. ساخت آسان و قیمت ارزان، گروه های بسیار متفاوتی را جذب نوشتن در وبلاگ کرده است؛ به طوری که در میان آنان، طیف بسیار گسترده و متنوعی از همه طبقات اجتماعی، به چشم میخورد: پزشک، پرستار، خلبان، کارمند، کارگر، دانشجو، طلبه، نویسنده ی حرفه ای، مؤلف، ویراستار، روزنامه نگار، ورزش کار، خانه دار، مهندس، فعال سیاسی، شاعر، هنرپیشه، استاد، مترجم، معلم، صاحبان مشاغل آزاد، بازاری، مغازه دار... رسانه های دیگر هیچ گاه نخواهند توانست چنین اجزای ناهمگون و متنوعی را گرد هم آورند و زیر یک سقف بنشانند. وبلاگ و دیگر شاخه های متن محور اینترنت، بخش عمدای از این موفقیت دور از انتظار را، وامدار ساخت آسان و تقریبا رایگان خود هستند.

باید پذیرفت که یکی از دلایل پیشی گرفتن نشریات اینترنتی بر روزنامه نگاری سنتی، صرفه جویی در کاغذ، مکان، نیروی انسانی و لوازم اداری است. کتاب، مجله، روزنامه و همه میراث خواران گوتنبرگ، از نقطه آغاز تا ظهور عمومی خود هزینه های بسیاری را بر تولید کننده. و بالطبع بر متقاضیان تحمیل می کنند. اینترنت، حذف همه ی این گونه هزینه ها را ممکن ساخته است، و به همین دلیل رقیب بسیار قدرتمند و بی رحمی برای همه ی انواع نشریاتی است که در فضاهای سربی تنفس می کنند.

تبلیغ دین در جهان مجازین: وبلاگ ها با امکانات بی مانندی که در اختیار نویسندگان خود و صاحب نظران می گذارند، دست و بال آنان را برای هرگونه فعالیت علمی یا ترویجی می گشایند. نویسنده در وبلاگ خود مبسوط الید است و می تواند همه ی توانایی های ذاتی و اکتسابی خود را بروز دهد. با اذعان به همه ی آفاتی که آزادی های بی مرز دارد، نمی توان انکار کرد که پاره ای از گشایش ها و مجال یابی گاه موجبات رشد و شکوفایی اندیشه ای را فراهم می کند. هماوردی در میدان های بزرگ و مصاف های رودررو را مردان و زنانی از عهده بر می آیند که چنین محیط هایی را آزموده باشند؛ محیط هایی سرشار از مخالفان تر زبان و آزاد و اهل جدل و عاری از هرگونه ملاحظات دست و پاگیر. گشت و گذار در این شهر شیشه ای که مردم بومی آن، مستأجران توریست های خود هستند، ما را با رهگذارنی آشنا می کند که سخن به زبانی دیگر می گویند و جز متاع بدیع نمی جویند. بر دانش آموختگان دینی است که بدانند و از یاد نبرند که محیط وب، مخالف و ناهمسو بادانسته های ایشان است. حضور مؤثر در فضاهای مخالف که نوشته ها و گفته های هم دلانه در آن کمتر می توان یافت، نیاز به هوشمندی و فراست ویژه ای دارد. فراست و هوشمندی نویسنده ی دین ورز، او را به پرهیز از تعجیل در نتیجه گیری و اهتمام بیشتر به آوردن استدلال های رنگارنگ و پی درپی می کند. در وبلاگستان، نوشتن «وسیله نیست که تنها به کار پیام رسانی و مخابره ی اندیشه های نویسنده آید؛ نوشتن در وبلاگ ها معانی دیگری نیز یافته اند؛ بودن، زندگی کردن، نفس کشیدن، تبدیل تکّه های وجود به کلمات، معاشقه با واژه، زمزمه در گوش دوستان ندیده، سر به هر جای کشیدن و از هر دری سخن گفتن، گشودن عقده هایی که عمر ما را گره آلود کرده اند و گستردن مرزهای وجود خود تا هر جایی که قلمرو نور است و موج و بینایی.

چه بیراهه می روند آنان که می نویسند تا کسی بخواند! مگر نه آن است که نوشتن، برای آن است که نوشته باشی تا اگر خواننده ای از راه رسید، تو را بخواند. نه علم اکتسابی و اندیشه های عاریتی تو را. آن که می نویسد تا دیگران بخوانند، نخستین تحقیر و توهین را به خواننده ی خود روا داشته است؛ اما آن که می نویسد تا گریبان جان خویش را از هجوم اندیشه ها و سیلاب واژه ها برهاند چنان خواننده ی خویش را در مغناطیس وجودی خود غرق می کند که چاره ای جز تسلیم و رضا برای او نمی گذارد. نویسنده، آن نیست که می تواند بنویسد؛ آن است که نمی تواند که ننویسد؛ همچون شهرزاد قصه گو که هر شب قصه می گفت تا شمشیر مرگ از نیام خلیفه بیرون نیاید، و میان او و بودن فاصله نیندازد. داستان های او برای شنیدن خلیفه نبود؛ برای بودن و ماندن خود بود. نویسندگانی که چنین حس و حالی نرسیده اند، بهتر آن است که هرگز ننویسند، و اگر نوشتند، بدانند ناقص الخلقه ای را بر زمین گذاشته اند که میان زادن و مردن او، فاصله ای نیست.

سوگمندانه باید اقرار داد که کمترین سهم از این جهان بزرگ، نصیب نویسندگان و اندیشورانی است که درد دین دارند و سودای دین گستری، غفلت و قهر خواسته یا ناخواسته از این گونه عطایای مدرنیته، واماندن از قافله ای است که شتابان در حال گذرا است و از آن جز خاکستری بر جای نمی ماند: «از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل». به گمان نگارنده، نویسندگان مذهبی باید هر چه زودتر این گنج شایان را که در ویرانه های اینترنت، خاک عصیان می خورد، مُهر گشایند و درون آن را سخت بکاوند. اگر مخالفت با «بلندگو» در زمان اختراع و آغاز رواج آن در ایران، هر لحظه یک ماه ما را عقب می انداخت، بیگانگی و ناآشنایی با ابزارهای جدید اطلاع رسانی، هر دم به منزله ی سال ها توقف است و سکون و رکود و خود را به امواج بی امان آن سپرده اند، و کجا دانند حال ایشان را سبکباران ساحل ها، با این همه تا تبدیل وبلاگ نویسی به فرهنگ و یک هنجار حوزوی، راه دور و درازی در پیش است. برای کوتاه کردن این راه سنگلاخی، باید دائم به خود نهیب زد و پرسید: در کجای شریعت مقدس اسلام و درکدام سخن معصوم (ع) از تبلیغ دین مبین با ابزارهایی که سنت را پشت سر گذاشته اند، نهی شده است؟ چگونه است که ما برای چاپ یک کتاب در شمارگان دو یا سه هزار، خود را به آب و آتش می زنیم، و گاه از صرف گزاف ترین هزینه ها نیز بیمی به خود راه نمی دهیم، اما قدم همتمان در آستانه ی ورود به چنین محیط های بکر و آماده ای می لرزد؟ کدام حجت و بیّنه ای، مدیران را از تهیه ی امکانات اولیه، آموزش و تشویق طلاب برای آشنایی با دنیای جدید ارتباطات منع کرده است؟ آیا امکان یافتن هزاران مخاطب و خواننده وبگرد، اهمیتی کمتر از چند درصد خواننده ی کتاب و روزنامه و مجله دارد؟ آیا نباید هراسید از روزی که وقتی چشم می گشاییم و جایگاه خود را در جهان کنونی می بینیم. همان دم تیغ خوریم و به یاد آریم که می توانستیم کجا باشیم که اکنون نیستیم؟

سخن آخر: وبلاگ ها به لحاظ موضوع، تنوع حیرت آوری دارند. رهگذران و وبگردان درباره ی هیچ موضوعی نیست که نتوانند در وبلاگ ها و سایت های اینترنتی مقالات فراوانی بیابند: از شیر مرغ تا جان آدمی زاد. امادر این بازار مکاره، بیشترین خوانندگان و خواهندگان نصیب وب نویسانی است که دست کم اصول دهگانه زیر را پایبند باشند:

1. گُزیده گویی؛ 2. نغزگویی؛ 3. سادگی؛ 4. نکته سنجی؛ 5 . هم زیستی مسالمت آمیز با دیگر شهروندان اینترنت؛ 6 . آمادگی ذهنی و قلمی برای حضور در محیطی آکنده از چالشگران ناهمدل، امازیرک و ترزبان؛ 7. مهارت های قلمی؛ 8 . تنوع مطالعاتی؛ 9. آشنایی با محیط های گوناگون اجتماعی؛ 10. توانایی در آغشتن قلم به طنز و مطایبه.

چنان چه وبلاگ های دین گرا نیز بخواهند در این جهان بزرگ و مجازی، جایگاه درخوری را به اشغال خود در آورند، ناگزیر از رعایت اصل های پیش گفته اند؛ یعنی باید قلم خود را چنان نرم وروان بچرخانند که گویی آب در کام تشنگان می ریزند. از هرگونه اغلاق و درشت گویی و ژست های عالمانه سخت بپرهیزند، و نوشته آنان خالی از کشفی کوچک و نغزگویی نباشد. نغز گویند و لُغَز نفروشند و زبان به کلیشه گویی نگشایند و گارد نگیرند و نیک بدانند که مخاطب آنان پس از مطالعه وبلاگ ایشان به ده ها نوشته و وبلاگ دیگر نیز سر میکشد. چنین تصوری، وبلاگ نویس را به کوتاه نویسی و گیرایی و نکته سنجی های هوشمندانه فرا میخواند. از یاد نباید برد که حوصله ی وبگردان بسی کمتر از همت کتاب خوانان حرفه ای است، و تنوع گرایی بر اغلب آنان غالب.

محتوای اکثر وبلاگ های دین گرا و اسلامی در ایران، انشای شاعرانه و دکلمه های احساسی با نثرهای فانتزی ـ و البته گاه بسیار ناشیانه و ساده انگارانه ـ همراه با بزرگداشت مراسم دینی و یادکرد بزرگان دینی یا ملّی است؛ یعنی بیشتر مشغول اسلام سرایی اند تا اسلام شناسی. هر وبلاگ نویسی برای گسترش حوزه قلمی خود در این آشفته بازار که هر روز صدها حجره جدید ونو بنیاد در آن باب می شود، باید به ملازمات و ملائمات وبلاگ تن دهد و هوشیارانه به ماهیت غیرتجاری و کاملا جوانانه ی این گونه محیط ها گردن نهد نیز بداند که وبلاگ ها عرصه های به شدت رقابتی اند، و بر خلاف نشریات داخلی که همه چیز در آنها کنترل شده و تحت نظارت است، در آن جا هیچ عاملی جذابیت های قلمی، ذوقی و سمعی بصری، خریدار ندارد. بدین رو جایی برای حرف های کلیشه ای و دعوی های شعارگونه و اشتلم های آمرانه و پرگویی های تعصب آمیز نیست. به دیگر سخن، تبدیل وبلاگ به منبرهای دیجیتال باید بسیار هوشمندانه و با بهره گیری از امکانات و ناظر به طبیعت رسانه های این چنینی باشد؛ وگرنه مقرون به صواب و سزاوار ثواب نخواهد بود.

دیگر آنکه وبگردان گونه ای از مخاطبان اند که تا با آنان زندگی مجازی خود را نیاغازیم، قادر به تأثیرگذاری بر آنان نیستیم. به سخن دیگر، آنکه به قصد تبلیغ مرام و باورهای خود یا انتقال احساسات درونی خویش به میان وبلاگ ها می آید، تنها در صورتی توفیق را نصیب خواهد برد که به این قصد و غرض اکتفا نکند؛ یعنی بیشتر برای همزیستی هم دلانه و همراهی مهربانانه، به وبلاگستان حضور دوستانه رسانده باشد و برای تأثیرگذاری هرگز نباید عجله کند. آنکه می آید تا فقط حرف خود را زده باشد و دیگر هیچ. پارازیت وار از محل توجّهات جدّی و حرمت آمیز دور خواهد ماند. مبلغ وبلاگ نویس یا وبلاگ نویس آرمان گرا، تا مدت ها به مسالمت در میان وبلاگ نویسان زندگی نکرده باشد و حسن ظن همگان را برنینگیخته باشد، حضوری محسوس و مؤثر نخواهد داشت.

بنابراین: در جهانِ پنجره ها که دیوارهای آن نیز خاصیتِ در دارند و به حق آن را رایاسپهر (CyberSpace) نامیده اند، نباید کاربر صرف و ساده ای بود که فقط دریافت می کند، در این ضیافت جهانی، حضور کاربرانه ی محض، ما را با حجم اندوهی از داده ها روبه رو می کند که حتی فقط مدیریت و طبقه بندی آنها توش و توانی برای ما باقی نمی گذارد. می توان در این ساحت بیکرانه، نه کاربری منفعل، که اندیشه گری فعّال نیز بود. شهروندان اینترنت، همگی مصرف کنندگان بی اراده ای نیستند که جز خواندن و دیدن و شنیدن کاری نداشته باشند؛ آنان می توانند بیش از تأثیری که می پذیرند، جهان را تغییر دهند و به درجه ای از سعه ی وجودی نایل آیند که رشک همه ی خدایان المپ باشند. وبلاگ ها، بازترین دروازه های اینترنت به روی کسانی است که بسندگی به مقام کاربری رادون شأن و آرمان های خود می دانند.

به هر روی و به چندین جهت منطقی و دلیل عرفی، اندیشه گران را گریز و گزیری از ورود به دنیای پرهیاهوی وبلاگ ها نیست:

1. امکانات فراوان و متنوعی که این پدیده به مدد شبکه جهانی اینترنت و آخرین فناوری های دانش ارتباطات، در اختیار کاربر خود می گذارد.

2. تنوع مخاطبان و ایجاد رابطه ی زنده و بسیار نزدیک با میلیون ها چشم سرگردان ونگران که صبح تا شب در مقابل مانیتور در پی یافتن مطالبی برای خواندن و اندیشیدن یا وقت گذرانی هستند.

3. امکان ارتباط پویا، متقابل و دوسویه با مخاطبی که نمی شناسیم؛ آنان که دستی در مقوله تبلیغ و اطلاع رسانی مدرن دارند، نیک می دانند که هر قدر بتوان ارتباط سریع تر و زنده تری با دیگران برقرار کرد، موفقیت های بیشتری را می توان نصیب برد. اکنون نباید تبلیغ کیش و ترویج آرمان را با سخنرانی و مقاله پردازی یکسان انگاشت. تبلیغ دینی، فرایندی بسیار پیچیده و حساس و آسیب پذیر است که بدون توفیق در برقراری ارتباط زنده و نزدیک با مخاطب، کارمد و کامیاب نخواهد بود.

4. مبلغان هماره باید آشنایی خود را با خواسته ها، دل مشغولی ها و حساسیت های فکری و روحی مخاطبان خود، افزایش دهند. از آن جا که نویسنده و خواننده ی وبلاگ می توانند هویت خود را ناشناخته نگه دارد، این امکان فراهم می شود که هر دو، به دور از تعارفات معمول و محافظه کاری های زیان بار سخن بگویند. این گونه بی ملاحظگی های مثبت، مبلغ را سریع تر و کارآمدتر از روش های معمول، به گرانی گاه ها می رساند و در وقت و توان او صرفه جویی می کند. وبلاگ نویسی که درد دین دارد و متکی به اندیشه ی خود است، جز به زخم ها نمی اندیشد و گردیدن گرد گره های کور، شغل او است.

5 . وبلاگ به دلایل بسیاری که برخی را باز گفتیم، چنان جایگاهی در ایران یافته است که شگفتی جهانیان را نیز برانگیخته است. این جایگاه و گستره حیرت انگیز، نویسندگانی را که دغدغه دین گستری دارد، سالیانی است که به خود می خواند این است و جز این نیست که بی اعتنایی و بی مبالاتی در برابر جهان فراخ و جنجالی وبلاگ ها، میدان بزرگی را برای تاخت و تازهای هوشمندانه و امروزین، از دست مبلغان و مروجان هر کیش و مرامی می گیرد و آنان را به خلوت های سرد و تاریک فراموشی تبعید می کند.

6 . ناگفته نماند که اینترنت و همه ی فرزندان آن، مانند وبلاگ، ماهیت ابزاری دارند و همچون دیگر ابزارهای بشری، کارکردی جز افزایش سرعت و توسعه و کارآمدی ندارد. بنابراین نمی توان هماره شکست یا توفیق خود را به گردن آن بگذاریم ؛ زیرا «ابزار» همان گونه که از ماهیت و طبیعت آن بر می آید. در مرتبه دوم اهمیت و کارآیی است. پیش از آن، باید در اصلاح اندیشه و روش های ذهنی خود بکوشیم. ابزار، هر چه قوی تر و کارآمدتر باشد، فقط در برآوردن آنچه از او خواسته می شود، موفق تر است. همین ذهنِ مشوش و ناهمگون با نیازهای واقعی انسان معاصر، با ورود به محیط های اکتیوی همچون اینترنت، تشویش وناهمگونی خود را بیشتر آشکار می کند. بدین رو نباید درمان همه ی دردهای خود را در تبدیل ابزارهای سنتی به ارتباطات مدرن جستجو کنیم. پیش از آن باید اندیشه ی خود را باز سازیم و کاستی های آن را بشناسیم و ناراستی هایش را اصلاح کنیم.

7. در این نوشتار عیب می را نگفته، هنرش را گفتیم. جا دارد که در تحقیق و نوشته ای دیگر، به زیان ها و آسیب های وبلاگ که برخی اجتناب پذیر و برخی ناگزیر است، نیز پرداخت.

اکنون همین قدر می افزاییم که این رسانه ی غول آسا که از چراغ جاوی اینترنت سربرآورده است، آسیب های فراوانی نیز به زبان، فرهنگ و هنجارهای انسانی زده است. گسیختگی افسار نثر، انتحال(سرقت علمی)، ارضای شهوت شهرت طلبی برخی و هنجارشکنی های بی حد و مرز، از آن جمله است. خوانندگان و وبگردان، نیک می دانند که در میان هزاران وبلاگ، کمتر می توان قلم ها و اندیشه هایی را جست که برخوردار از سلامت و صلابت باشند. البته در جنب آن همه آلودی های قلمی و تصویری، محیط های بسیاری را نیز می توان یافت که از زبان گویا و اندیشه پویا برخوردارند و این دنیای مجازی و موازی را لذت بخش می کنند.

ناگفته نماند که جهان شیشه ای اینترنت، همچنان که مجازی است، موازی نیز هست. یعنی اگر چه شهری است با قوانین و هنجارهای خود، اما جدا از دنیای واقعی نیست. آلودگی هایی این دنیای سبک سر، آیینه ای است محدّب که بیرون از خود را در ابعادی بزرگ تر نشان می دهد. با این همه باید انصاف داد که اینترنتِ ایرانی، اگر چه تمایلی به تسلیم شدن در برابر قانون های رسمی را ندارد، اما از مراعات قوانین نانوشته و نامرئی نیز ناگریز است. وبلاگ نویسان نیک می دانند که حیات اینترنتی و اعتبارشان در این شهر آشفته، به گردن نهادن در برابر مقرارتی است که خاستگاه های انسانی و عرفی دارند. این مقررات اگرچه بر روی هیچ کاغذی نیامده است و اگر آمده، حکم سند برای دادگاه و قاضی را ندارد، اما گاه چندین برابر قوانین کاغذی، کارایی و هیبت دارند .زیرا همه ی شهروندان وبلاگستان اینترنت، ارزیابان وناظران یکدیگرند و در این میدان فراخ، به عدد بازیکنان، داورانی در جنب و جوش اند که همیشه دست در جیب دارند.

8 . به زعم نگارنده، مدیران ارشد حوزه های علمیه و یا هر نهاد دیگری که دین و کارکردهای دینی را برای انسان معاصر، همچنان ضروری و بی بدیل و رقیب می دانند، باید هر چه زودتر به سوی تشکیل مجالسی پیش روند که در آنها منابر دیجیتال بر پا است. منبر، نخستین و مؤثرترین رسانه اسلامی در همه ی ادوار تاریخی بوده است. این رسانه ی ارجمند که همچنان پویا و گویا است، هرگز جایگاه خود را در میان متدینان و صاحب دلان از کف نخواهد داد؛ اما به تنهایی نیز قادر به کشیدن بار تبلیغ دینی بر دوش خود نیست. اهتمام انحصار طلبانه به یک یا دو رسانه موجود، گرهی از کار فروبسته ما نمی گشاید، که بر ناهمگونی ما با دنیایی که در آن زندگی می کنیم، می افزاید. اگر روزی توانستیم همه ی مخاطبان بالقوه خویش را به استفاده از یک رسانه یا استقبال از یک نوع برنامه ی تبلیغی قانع یا مجبور سازیم، بسندگی به یک روش تبلیغی نیز موجه می نمود؛ اما یک دست سازی مخاطبان هرگز در امکان نخواهد بود و حوزه های دینی هماره باید خود را برای حضور در محیط های نو و بکر آماده کنند؛ زیرا غیبت از هر مسابقه ای، به معنای واگذاری آن به رقیبان است.

تجربه به ما آموخته است که چنین فعالیت هایی در حوزه، بدون مقدمه چینی های رسمی و زمینه سازی های معنوی، امکان وقوع نخواهند یافت. هر چند دیریا زود دانش آموختگان حوزه، خود بدان سو خواهند رفت .اما حضور خود جوش، با همه امتیازاتی که دارد، به کُندی صورت می گیرد و ما علی الرسول الا البلاغ.

پی نوشت ها

\*. دانش پژوه حوزه ی علمیه و مسئول انجمن قلم حوزه.

1. برخی تارنوشت را مناسب ترین ترجمه فارسی برای «وبلاگ» می دانند.

2. این شماره سنجی و بسامدگیری را یکی از مؤسسات وابسته به بی بی سی گزارش کرده است. ر.ک: سایت انگلیسی بی بی سی، اول دسامبر 2004.

3. روزنامه شرق، ویژه نامه جمعه 25/10/83 ، ص 9.

4. همان.

5. کتاب ماه کلیات، شماره 80 ـ 79 (ویژه وبلاگ نویسی) رضابهبهانی، «پدیده وبلاگ»، ص 12.

6. منبع خبرگزاری ایتنا، دوم بهمن 83 .

7. ر.ک: وحید قاسمی، وبلاگستان، شهر شیشه ای، پیش گفتار، ص 3.

8. نمونه آشکار و مثال زدنی آن اعتراض وبلاگ نویسان و جامعه اینترنتی ایران به اطلس منتشره از سوی نشنال جئوگرافیک بود که نام خلیج فارس را به خلیج عربی، تحریف کرده بود. خوشبختانه این اعتراض مبتکرانه اثر نیز کرد و مؤسسه مذکور را وادار به تغییر موضع کرد.

9. ر.ک: روزنامه هموطن، 21 دی ماه 83 .

10. ر.ک: کتاب ماه کلیات، همان، ص 407.